رویداد

جزییات ۴ واگذاری دولتی اعلام شد

سازمان خصوصی‌سازی در تازه‌ترین برنامه واگذاری دارایی‌های دولتی، عرضه بخشی از سهام و یک بنگاه اقتصادی را در دستور کار قرار داد. بر اساس آگهی منتشرشده از سوی این سازمان، سهام شرکت‌های فرهنگی ورزشی استقلال ایران، فولاد میبد، فولاد مکران منطقه آزاد چابهار و همچنین جایگاه شرکتی شهر کرج (البرز) با رعایت ضوابط «انتخاب مشتریان راهبردی (استراتژیک) و احراز و پایش اهلیت مدیریتی در واگذاری‌ها» به متقاضیان واگذار خواهد شد.

سازمان خصوصی‌سازی اعلام کرده است این واگذاری‌ها در اجرای مصوبه هیات واگذاری و سایر قوانین و مقررات مرتبط انجام می‌شود و خریداران علاوه بر برخورداری از توان مالی، باید شرایط مندرج در دستورالعمل احراز اهلیت مدیریتی را نیز احراز کنند؛ موضوعی که در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین الزامات واگذاری بنگاه‌های دولتی تبدیل شده است.

بر اساس آگهی منتشرشده، بزرگ‌ترین واگذاری مربوط به شرکت فولاد مکران منطقه آزاد چابهار است. در این عرضه، بیش از ۲ میلیارد و ۴۰۶ میلیون سهم عادی به همراه حدود ۱۲۷ میلیون سهم ترجیحی، معادل ۸،۴۳ درصد از سهام این شرکت، با ارزش پایه ۱۸ هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال از طریق مزایده واگذار می‌شود. برای این معامله، پرداخت ۵۰ درصد ارزش معامله به صورت نقدی و بقیه در چهار قسط شش‌ماهه پیش‌بینی شده و مزایده در ۱۰ شهریور امسال برگزار خواهد شد.

دومین عرضه مربوط به شرکت فولاد میبد است. مطابق آگهی، حدود ۱۴ میلیون و ۲۵۰ هزار سهم معادل ۴۶،۱۱۷۲ درصد از سهام این شرکت با ارزش پایه ۱۳ هزار و ۷۴۶ میلیارد و ۳۴۸ میلیون ریال از طریق مزایده عرضه می‌شود. شرایط پرداخت این واگذاری نیز مشابه فولاد مکران، شامل ۵۰ درصد نقد و چهار قسط شش‌ماهه است و زمان برگزاری مزایده ۱۰ شهریور اعلام شده است.

در بخش ورزش نیز ۳۳۴ میلیون و ۵۲۵ هزار و ۶۵۰ سهم باشگاه فرهنگی ورزشی استقلال ایران، معادل ۳،۱ درصد از سهام این شرکت، از طریق بازار فرابورس ایران عرضه خواهد شد. ارزش پایه این بلوک حدود ۳۳۹ میلیارد و ۲۹۰ میلیون و ۹۰۹ هزار ریال تعیین شده و مطابق آگهی، عرضه از مسیر فرابورس و طبق مقررات بازار سرمایه انجام می‌شود. علاوه بر عرضه سهام، سازمان خصوصی‌سازی یک دارایی ملکی را نیز برای واگذاری معرفی کرده است. جایگاه شرکتی شهر کرج (البرز) با مساحت عرصه ۷۸۴،۶۳ مترمربع از طریق مزایده عرضه خواهد شد. ارزش پایه این بنگاه حدود ۲۹۷۴ میلیارد و ۶۸۰ میلیون ریال تعیین شده و مزایده آن در ۱۰ شهریور ۱۴۰۵ برگزار می‌شود.

در متن آگهی تاکید شده است واگذاری‌ها بر اساس دستورالعمل اجرایی «روش انتخاب مشتریان راهبردی (استراتژیک) و احراز و پایش اهلیت مدیریتی در واگذاری‌ها» انجام می‌شود. بر این اساس، صرف ارائه بالاترین قیمت برای خرید کافی نیست و متقاضیان باید از نظر توان مدیریتی، مالی، فنی و برنامه اداره بنگاه نیز شرایط لازم را داشته باشند.

قیمت واگذاری ۹۵ درصد سهام هفت تپه تعیین شد

جلسه هیات واگذاری ۳۰ خرداد در محل سازمان خصوصی‌سازی تشکیل و در خصوص تعیین قیمت واگذاری ۹۵ درصد سهام شرکت نیشکر هفت تپه و فهرست ۴۳ شرکت مشمول واگذاری سهام در بورس تصمیم‌گیری شد.

بر اساس این گزارش و در اجرای مصوبه ۲۵ تیر سال ۱۴۰۱ شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا، موضوع واگذاری سهام دولت در شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه جهت افزایش سرمایه بانک ملی و رد دیون دولت به بانک صادرات به نسبت مساوی، گزارش آخرین وضعیت واگذاری برای انتقال به بانک‌ها و پاسخ استعلام معاونت امور حقوقی و مجلس وزارت اقتصاد به انضمام قیمت و شرایط واگذاری ۹۵ درصد سهام مطرح و واگذاری آن با قیمت هر سهم معادل ۵۶۰۰۷۶ ریال جمعا به ارزش ۱۰،۳ هزار میلیارد تومان به صورت نقد مصوب شد.

سازمان خصوصی‌سازی مکلف شد نسبت به انعقاد قراردادهای واگذاری مرتبط با دو بانک اعلامی اقدام کند. با توجه به اختلاف نظر موجود در خصوص مبنای قیمت گذاری، مقرر شد سازمان خصوصی‌سازی گزارش لازم در این زمینه را در جلسات آتی به هیات ارائه دهد.

بر این اساس چنانچه قیمت گذاری انجام شده بر مبنای اقلام مندرج در صورت‌های مالی حسابرسی شده منتهی به خرداد ۱۴۰۱ و بر اساس قیمت‌های همان سال صورت پذیرفته باشد، قیمت پیشنهادی ملاک اقدام خواهد بود. در غیر این صورت موضوع جهت تعیین قیمت اقلام دارایی‌ها بر مبنای قیمت‌های سال ۱۴۰۱ به کارشناسان رسمی دادگستری ارجاع می‌شود تا پس از تعیین قیمت، نرخ اصلاحی مجددا در هیات واگذاری مطرح شود و سازمان خصوصی‌سازی حسب تصمیم آن هیات نسبت به اصلاح قیمت و قرارداد واگذاری اقدام کند.

در خصوص موارد مربوط به زمان قبل از ۳۱ خرداد سال ۱۴۰۱ بر اساس ماده ۸ قرارداد واگذاری به دنبال کشف موارد کتمان وقایع مالی و یا تعیین تکلیف اقلام دارای ابهام حقوقی با تراضی یا از طریق طرح دعوی در هیات داوری اقدام خواهد شد. نظر به تعیین قیمت بر مبنای سال ۱۴۰۱ از تاریخ انتقال حقوق مالکانه، کلیه حقوق، تعهدات، دعاوی و هر گونه ادعایی نسبت به شرکت و دارایی‌های آن متوجه بانک‌های اعلامی خواهد بود.

همچنین فهرست اولویت‌های واگذاری سازمان خصوصی‌سازی در سال جاری مطرح و تصویب شد. اولویت واگذاری سهام از طریق بازار سرمایه و واگذاری مدیریت موضوع ماده ۱۹ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مورد تاکید قرار گرفت. مقرر شد چنانچه برای واگذاری هر یک از شرکت‌های مندرج در فهرست موارد مشمول واگذاری، متقاضی وجود داشته باشد در صورتی که نام شرکت در فهرست اولویت‌های واگذاری درج نشده باشد، نام آن به فهرست اضافه شود.

«تعادل» بودجه «مسوولیت اجتماعی» شرکت‌های بورسی را بررسی می‌کند

زنگ خطر شفافیت در مجامع بورسی

مجامع امسال به شکل عجیب و جدیدی برگزار شد، به‌نحوی که اعتراض همه سهامداران را در پی داشت. داستان از افزایش چشمگیر اعتبارات «مسوولیت اجتماعی» در مجامع عمومی شرکت‌های بزرگ بورسی در سال ۱۴۰۴، به یکی از موضوعات قابل تامل در بازار سرمایه تبدیل شده است.

بررسی ارقام مصوب نشان می‌دهد هزینه کرد در این سرفصل که در سال‌های گذشته اغلب در حاشیه گزارش‌های مالی و تصمیمات مجامع قرار داشت، اکنون در بسیاری از مجامع به صدر توجهات تبدیل شده و بودجه چند هزار میلیاردی دریافت می‌کند.

بازار سرمایه در سال‌های گذشته، علاوه بر اعمال متغیرهایی مثل نرخ ارز، قیمت‌های جهانی، سیاست‌های انرژی، هزینه تامین مالی و روند سودآوری صنایع مساله کیفیت حکمرانی شرکتی بنگاه‌های بورسی را دنبال می‌کند. اما در این بین رشد قابل توجه بودجه مصوب برای مسوولیت اجتماعی شرکت‌ها باعث اعتراض سهامداران و فعالان بازار سرمایه شده است.

مسوولیت اجتماعی چیست؟

مسوولیت اجتماعی شرکت‌ها یا CSR در ادبیات اقتصادی و مدیریتی، به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که بنگاه اقتصادی فراتر از کسب سود کوتاه‌مدت، برای کاهش آثار محیط‌زیستی فعالیت خود، توسعه جوامع محلی، بهبود زیرساخت‌های پیرامونی، ارتقای آموزش، سلامت، اشتغال و رفاه ذی‌نفعان انجام می‌دهد. در صنایع بزرگی مانند معدن، فولاد، پالایش، پتروشیمی، نیروگاه و بانکی، این مسوولیت می‌تواند اهمیت مضاعفی داشته باشد، زیرا فعالیت این شرکت‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر منابع طبیعی، محیط پیرامونی، اشتغال منطقه‌ای و کیفیت زندگی جامعه اثر می‌گذارد.

با این حال، ماهیت مثبت و ضروری مسوولیت اجتماعی، به‌تنهایی نمی‌تواند جایگزین شفافیت در تخصیص منابع شود. هنگامی که ارقام مصوب در این ردیف به چند هزار میلیارد تومان می‌رسد، سهامداران انتظار دارند محل هزینه کرد، دریافت‌کنندگان نهایی منابع، معیار انتخاب پروژه‌ها، زمانبندی اجرا، شاخص‌های سنجش عملکرد و آثار اقتصادی و اجتماعی هر پروژه به صورت روشن افشا شود. در غیر این صورت، یک سرفصل با هدف توسعه پایدار ممکن است در نگاه بازار به هزینه‌ای مبهم تبدیل شود؛ هزینه‌ای که ارتباط آن با منافع شرکت و صاحبان سرمایه به‌سادگی قابل ردیابی نیست.

فملی در صدر؛ بودجه ۱۰ هزار میلیارد تومانی برای مسوولیت اجتماعی

در میان شرکت‌های بررسی شده که به‌تازگی مجمع خود برگزار کرده‌اند، شرکت ملی صنایع مس ایران با نماد «فملی» در صدر فهرست قرار گرفته است. بودجه مسوولیت اجتماعی این شرکت برای سال ۱۴۰۴، معادل ۱۰ هزار میلیارد تومان تصویب شده؛ رقمی که نسبت به بودجه ۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومانی سال قبل، رشدی بیش از دوبرابر را نشان می‌دهد؛ اما دلیل این رشد چیست و چرا بخشی از این بودجه برای سود سهامداران تصویب نشده است؟

فملی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های معدنی و فلزی بازار سرمایه، به دلیل گستردگی فعالیت‌ها و پراکندگی مجتمع‌های عملیاتی در مناطق مختلف کشور، طبیعتا با طیف وسیعی از ذی‌نفعان محلی، محیط‌زیستی و اجتماعی مواجه است. از این‌رو، اختصاص بخشی از مبلغ برای توسعه زیرساخت‌های محلی، مدیریت آثار زیست‌محیطی و دیگر موارد لازم است؛ اما چنین هزینه کرد بالایی می‌تواند عامل اعتراض فعال بازار سرمایه باشد.

بودجه ۱۰ هزار میلیارد تومانی صرفا یک ردیف فرعی در صورت‌های مالی یا گزارش هیات‌مدیره نیست، بلکه در مقیاس تصمیمات مالی شرکت، یک متغیر اثرگذار به شمار می‌رود؛ در نتیجه اگر یک شرکت چنین هزینه کردی را انجام می‌دهد باید به‌درستی برای سهامداران عمده و خرد خویش توضیح دهد که این منابع در چه پروژه‌هایی، در کدام مناطق، با چه سازوکار نظارتی و تحت چه شاخص‌هایی هزینه خواهد شد. البته باید هزینه‌های که به‌صورت الزامات قانونی و محیط زیستی و برنامه‌های داوطلبانه مسوولیت اجتماعی باید به‌صورت جزء به جزء مشخص شود.

بانکی‌ها و افزایش اعتبارات اجتماعی

در گروه بانکی نیز روند افزایش بودجه مسوولیت اجتماعی قابل توجه است. بانک ملت با نماد «وبملت»، بودجه این بخش را از ۴۰۰ میلیارد تومان به ۸۰۰ میلیارد تومان افزایش داده است. بانک تجارت و بانک صادرات نیز به ترتیب ارقام ۴۰۰ میلیارد تومان و ۳۵۰ میلیارد تومان را برای این سرفصل به تصویب رسانده‌اند. در بانک سینا نیز افزایش بودجه از ۱۰ میلیارد تومان به ۱۰۰ میلیارد تومان، از رشد ۱۰ برابری این ردیف حکایت دارد؛ رشدی که از منظر درصدی، در زمره بالاترین افزایش‌ها میان نمادهای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مسوولیت اجتماعی در نظام بانکی از سایر صنایع شکل‌های متفاوت‌تری دارد؛ از تامین مالی طرح‌های اجتماعی و محیط‌زیستی گرفته تا توسعه خدمات بانکی در مناطق کمتر برخوردار، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک، ارتقای دسترسی دیجیتال، سواد مالی و پشتیبانی از پروژه‌های عام‌المنفعه. با این حال، ماهیت متفاوت فعالیت بانک‌ها نسبت به شرکت‌های تولیدی و معدنی، حساسیت به نحوه تعریف و افشای این هزینه‌ها را بیشتر می‌کند و با توجه به نبود زیرساخت‌های ممکن است هزینه کرد بیشتری نیز داشته باشد.

بانک‌ها با منابع سپرده‌گذاران، سرمایه سهامداران و شبکه گسترده مشتریان در ارتباط هستند؛ بنابراین، هر هزینه‌ای خارج از عملیات اصلی نیز باید از منظر کارایی، انضباط مالی و اثر آن بر بازدهی سهامداران قابل بررسی باشد. افزایش بودجه مسوولیت اجتماعی در بانک‌ها، بدون گزارش‌دهی جزیی و قابل سنجش، می‌تواند این پرسش را ایجاد کند که منابع یادشده دقیقا در چه مسیری قرار می‌گیرد و چه بازده اجتماعی یا اعتباری برای بنگاه ایجاد خواهد کرد.

ایران‌خودرو و ذوب‌آهن و جایگاه جدید آنها

در میان شرکت‌های بورسی، وضعیت ایران‌خودرو، ذوب‌آهن اصفهان و فولاد مبارکه از زاویه نسبت میان شرایط عملیاتی و رشد بودجه مسوولیت اجتماعی، نیاز به توجه جدی‌تری دارد.

ایران‌خودرو با نماد «خودرو»، رقم بودجه مسوولیت اجتماعی خود را از ۱۵ میلیارد تومان به ۱۰۰ میلیارد تومان افزایش داده است. این رشد در شرایطی رخ‌داده که شرکت با زیان انباشته سنگین روبه‌رو است و سهامداران نیز سود نقدی دریافت نکرده‌اند. در چنین وضعیتی، اصل مسوولیت اجتماعی محل مناقشه نیست، بلکه مساله اصلی، اولویت‌بندی منابع و نحوه دفاع شرکت از این تصمیم است؛ به بیان دیگر در چنین شرایطی مسوولیت اجتماعی اولویت بسیار کمتری دارد و جزو مسائل حاشیه‌ای به‌حساب می‌آید.

سهامدار خردی که با افت ارزش دارایی، زیان انباشته شرکت و نبود تقسیم سود مواجه است، انتظار دارد هیات‌مدیره توضیح دهد که چرا افزایش قابل ملاحظه بودجه مسوولیت اجتماعی در شرایط موجود به چه علت ضروری بوده است. از سوی دیگر باید روشن شود پروژه‌های تعریف‌شده تا چه اندازه به بهبود عملکرد بلندمدت شرکت، کاهش ریسک‌های اجتماعی، ارتقای برند یا حل مسائل پیرامونی زنجیره تولید کمک می‌کند؛ در غیر این صورت این نوع تقسیم می‌تواند به اعتمادی افزایش صفوف فروش دامن زند.

ذوب‌آهن اصفهان با نماد «ذوب» نیز بودجه مسوولیت اجتماعی خود را از ۵۰ میلیارد تومان به ۱۵۰ میلیارد تومان رسانده است. این افزایش سه برابری در حالی رخ‌داده که شرکت با زیان انباشته قابل توجه و سود نقدی صفر مواجه است. برای شرکتی که همزمان باید دغدغه تامین نقدینگی، هزینه‌های تولید، سرمایه در گردش و بهبود ساختار مالی را مدیریت کند، هر تصمیم هزینه‌ای خارج از عملیات اصلی باید با استدلالی روشن همراه باشد که ذوب‌آهن همانند سایر شرکت‌ها در خصوص علت این افزایش هیچ دلیلی را اعلام نکرده است. صنایع فولادی و معدنی به واسطه مصرف انرژی، اثرات زیست‌محیطی و حضور در جوامع محلی، نمی‌توانند نسبت به مسوولیت اجتماعی بی‌تفاوت باشند. اما میان ضرورت هزینه و کیفیت هزینه کرد تفاوت مهمی وجود دارد. بازار انتظار دارد ذوب‌آهن مشخص کند این ۱۵۰ میلیارد تومان به چه طرح‌هایی اختصاص می‌یابد، چه بخش‌هایی از آن ماهیت زیست‌محیطی یا الزام‌آور دارد و چه نتایج قابل اندازه‌گیری از اجرای آن حاصل خواهد شد.

فولاد مبارکه و رشد بیش از ۳۰۰ درصدی

فولاد مبارکه اصفهان با نماد «فولاد» نیز یکی از مهم‌ترین و خبرسازترین موارد در این زمینه به شمار می‌آید. بودجه مسوولیت اجتماعی این شرکت از یک هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان به چهارهزار و ۵۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته؛ رقمی که رشد بیش از ۳۰۰ درصدی را نشان می‌دهد.

فولاد مبارکه به دلیل مقیاس بزرگ فعالیت، نقش اقتصادی در زنجیره فولاد، حضور در منطقه صنعتی اصفهان و ارتباط با مسائل آب، انرژی و محیط‌زیست، در معرض انتظارات اجتماعی گسترده‌ای قرار دارد؛ بنابراین، تخصیص منابع برای پروژه‌های مسوولیت اجتماعی، در صورت برخورداری از برنامه‌ریزی دقیق و خروجی مشخص، می‌تواند بخشی از حکمرانی پایدار شرکت تلقی شود؛ اما به نظر نمی‌رسد که طی یک‌سال این شرکت هزینه چهارهزار و ۵۰۰ میلیارد تومان برای مسوولیت اجتماعی انجام دهد و به عقیده کارشناسان این عدد بسیار بالاست. اما رشد بیش از سه برابری این بودجه، الزام افشای عمومی را پررنگ‌تر می‌کند. سهامداران حق دارند بدانند منابع ۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومانی دقیقا در چه حوزه‌هایی هزینه می‌شود، آیا اولویت با پروژه‌های محیط‌زیستی، مدیریت مصرف آب، توسعه زیرساخت‌های منطقه‌ای، سلامت و آموزش است؟ چه نهادها یا پیمانکارانی دریافت‌کننده منابع هستند؟ پروژه‌ها چگونه انتخاب شده‌اند و گزارش پیشرفت آنها در چه بازه‌ای منتشر خواهد شد؟

اگر به این سوالات پاسخ روشنی داده نشود؛ در هوله نخست حقوق سهامداران خدشه‌دار می‌شود و پس از آن نیز شاهد کاهش اعتبار شرکت‌ها خواهیم بود و این کاهش اعتبار نیز به‌مرور به فروش سهام افزایش صفوف فروش و در نهایت کاهش قیمت سهام منتهی می‌شود.

رشدهای سنگین در شرکت‌های کوچک‌تر

روند افزایش بودجه مسوولیت اجتماعی تنها به شرکت‌های بزرگ محدود نیست. در برخی شرکت‌های کوچک‌تر نیز جهش ارقام قابل توجه است.

فولاد آلیاژی ایران با نماد «فولاژ» بودجه مسوولیت اجتماعی خود را از ۶ میلیارد تومان به ۸۰ میلیارد تومان افزایش داده است.

نفت سپاهان با نماد «شسپا» نیز این رقم را از ۱۰ میلیارد تومان به ۱۰۰ میلیارد تومان رسانده و شرکت آلومینای ایران با نماد «آلومینا» بودجه خود را از ۱۵ میلیارد تومان به ۵۰ میلیارد تومان افزایش داده است. در این شرکت‌ها نیز شاید تحقق این اعداد ممکن باشد و قابل مقایسه با ردیف‌های چند هزار میلیاردی شرکت بزرگ نباشند؛ اما نرخ رشد هزینه‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. افزایش چندبرابری یک ردیف هزینه‌ای باید در کنار سودآوری، جریان نقد، برنامه سرمایه‌گذاری، بدهی‌ها و نیازهای توسعه‌ای شرکت تحلیل شود.

ضرورت استانداردسازی افشا در بازار سرمایه

مسوولیت اجتماعی، اگر با پروژه مشخص، هدف‌گذاری روشن، بودجه‌بندی دقیق و گزارش‌دهی پایدار همراه باشد، می‌تواند توسعه، کاهش تعارض میان بنگاه و جامعه محلی، مدیریت ریسک‌های محیط‌زیستی و افزایش اعتماد عمومی کمک کند، اما نبود شفافیت، این ظرفیت را کاهش داده و حتی می‌تواند عامل بی‌اعتمادی نیز شود.

اکنون انتظار می‌رود سازمان بورس برای شرکت‌های بزرگ، خصوصا بنگاه‌هایی که بودجه‌های سنگین برای این سرفصل تصویب کرده‌اند، گزارش‌های تفصیلی و قابل راستی‌آزمایی را الزامی کند. این گزارش‌ها باید شامل فهرست پروژه‌ها، محل جغرافیایی اجرا، بودجه هر پروژه، دریافت‌کنندگان منابع، درصد پیشرفت، زمان بهره‌برداری و شاخص‌های ارزیابی اثرگذاری باشد. مساله کنونی مخالفت یا موافقت با هزینه کرد برای مسوولیت اجتماعی نیست، بلکه مساله اصلی نوع هزینه کرد و پاسخگویی در برابر همه ذی‌نفعان و به‌ویژه سهامداران خرد است. هر چه رقم این بودجه‌ها بزرگ‌تر می‌شود، ضرورت نظارت دقیق‌تر مجامع، هیئت‌مدیره‌ها، حسابرسان و نهادهای ناظر نیز افزایش پیدا می‌کند. مسوولیت اجتماعی زمانی به توسعه پایدار منتهی می‌شود که هزینه کرد آن نه پشت درهای بسته، بلکه در برابر چشم سهامداران و با معیارهای روشن ارزیابی شود.

۴۰ درصد بورس در اختیار دو صنعت

بررسی رتبه‌بندی ۴۸ صنعت حاضر در بازار سرمایه نشان می‌دهد دو صنعت فلزات اساسی و محصولات شیمیایی، با در اختیار داشتن نزدیک به ۴۰ درصد از کل ارزش بازار، نقش تعیین‌کننده‌ای در مسیر شاخص‌ها و ارزش‌گذاری بورس دارند. مجموع ارزش بازار این دو صنعت از ۷ هزار همت عبور کرده است؛ رقمی که فاصله معنادار صنایع بزرگ با سایر گروه‌های بورسی را آشکار می‌کند. ارزش بازار ۸۰۳ شرکت فعال در ۴۸ صنعت مختلف بازار سرمایه به ۱۸ هزار و ۱۸۸ هزار میلیارد تومان، معادل ۱۸ هزار و ۱۸۸ همت، رسیده است. بررسی ترکیب این ارزش بازار نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری‌های بورسی در چند صنعت بزرگ متمرکز شده و به همین دلیل، نوسانات این گروه‌ها می‌تواند مسیر کلی بازار سهام را تحت تاثیر قرار دهد.

فلزات اساسی بزرگ‌ترین صنعت بازار سرمایه

صنعت فلزات اساسی با حضور ۵۴ شرکت فعال و ارزش بازار ۳ هزار و ۶۱۷ همت، در رتبه نخست صنایع بازار سرمایه قرار گرفته است. این گروه شامل شرکت‌های بزرگ فولادی، تولیدکنندگان مس، روی، آلومینیوم و دیگر فلزات پایه است و از منظر ارزش بازار، مهم‌ترین صنعت بورسی محسوب می‌شود. وزن بالای شرکت‌های فولادی و معدنی در این صنعت، باعث شده است که تغییرات قیمت‌های جهانی کامودیتی‌ها، نرخ ارز، هزینه انرژی، سیاست‌های صادراتی و میزان عرضه در بازارهای داخلی، اثر مستقیمی بر چشم‌انداز سودآوری شرکت‌های این گروه داشته باشد. به بیان دیگر، هر گونه تغییر در بازارهای جهانی فولاد و فلزات یا تصمیم‌گیری‌های داخلی درباره صادرات، انرژی و نرخ‌گذاری می‌تواند بر ارزش سهام شرکت‌های فلزی و در نتیجه بر کلیت بازار سرمایه اثرگذار باشد. فلزات اساسی علاوه بر سهم بالای خود در ارزش بازار، از منظر اثرگذاری بر شاخص کل نیز جایگاه ویژه‌ای دارند. شرکت‌های بزرگ این صنعت معمولا در زمره نمادهای شاخص‌ساز قرار می‌گیرند و تحرکات قیمتی آنها می‌تواند فضای عمومی معاملات بازار را تغییر دهد.

محصولات شیمیایی دومین صنعت ارزشمند

پس از فلزات اساسی، صنعت محصولات شیمیایی با ۷۱ شرکت فعال و ارزش بازار ۳ هزار و ۵۸۰ همت در رتبه دوم قرار گرفته است. حضور گسترده شرکت‌های پتروشیمی در این صنعت، علت اصلی وزن بالای آن در بازار سرمایه به شمار می‌رود. صنعت محصولات شیمیایی، به‌ویژه در بخش پتروشیمی، از مهم‌ترین صنایع ارزآور کشور است و عملکرد آن به متغیرهایی نظیر نرخ خوراک، قیمت جهانی محصولات پتروشیمی، نرخ ارز، وضعیت صادرات، محدودیت‌های حمل‌ونقل و شرایط بازارهای منطقه‌ای وابستگی بالایی دارد. از این رو، تحلیل وضعیت این صنعت تنها به بررسی فروش داخلی محدود نمی‌شود و تحولات بازارهای جهانی و سیاست‌های ارزی نیز در برآورد سودآوری شرکت‌های آن نقش تعیین‌کننده دارند. مجموع ارزش بازار دو صنعت فلزات اساسی و محصولات شیمیایی به ۷ هزار و ۱۹۷ همت رسیده است. این رقم معادل نزدیک به ۴۰ درصد از ارزش کل بازار سرمایه است و نشان می‌دهد بورس تهران به شکل محسوسی از صنایع کالایی، صادرات‌محور و وابسته به نرخ ارز تاثیر می‌پذیرد.

پالایشی‌ها، بانک‌ها و هلدینگ‌ها در رتبه‌های بعدی

رتبه سوم ارزش بازار به صنعت فرآورده‌های نفتی، کک و سوخت هسته‌ای اختصاص دارد. این صنعت با ۱۳ شرکت فعال، ارزشی معادل یک هزار و ۹۵۰ همت را به ثبت رسانده است. پالایشگاه‌ها از جمله شرکت‌هایی هستند که وضعیت سودآوری آنها به نرخ خوراک، قیمت فرآورده‌ها، نرخ تسعیر ارز و فرمول‌های قیمت‌گذاری وابستگی دارد؛ به همین دلیل تحولات سیاستی و تغییر در نرخ‌های مبنا، برای سهامداران این گروه اهمیت بالایی دارد. بانک‌ها و موسسات اعتباری نیز با ۱۸ شرکت فعال و ارزش بازار یک هزار و ۶۷۱ همت، چهارمین صنعت بزرگ بازار سرمایه هستند. جایگاه بانک‌ها در این رتبه‌بندی، از اهمیت بالای شبکه مالی و اعتباری در اقتصاد کشور حکایت دارد. با این حال، ارزیابی این صنعت معمولا به متغیرهایی همچون کیفیت دارایی‌ها، مطالبات غیرجاری، نرخ سود، تسعیر دارایی‌های ارزی، افزایش سرمایه و وضعیت سرمایه‌گذاری‌های بانک‌ها وابسته است. در رتبه پنجم، شرکت‌های چندرشته‌ای صنعتی با ۹ شرکت فعال قرار گرفته‌اند که ارزش بازار آنها به یک هزار و ۱۳۲ همت می‌رسد. این شرکت‌ها که عمدتا در قالب هلدینگ‌های بزرگ فعالیت می‌کنند، به دلیل برخورداری از پرتفوی متنوع در صنایع مختلف، نقش مهمی در انتقال اثر تحولات بخش‌های گوناگون اقتصاد به بازار سهام دارند. ارزش‌گذاری این گروه‌ها نیز معمولا با توجه به ارزش روز سرمایه‌گذاری‌ها، دارایی‌های زیرمجموعه و نسبت خالص ارزش دارایی‌ها انجام می‌شود. پس از پنج صنعت نخست، گروه استخراج کانه‌های فلزی با ۱۶ شرکت و ارزش بازار ۹۱۵ همت در رتبه ششم جای گرفته است. این صنعت پیوند نزدیکی با زنجیره فولاد و فلزات دارد و عملکرد آن تابعی از قیمت جهانی مواد معدنی، ظرفیت تولید، هزینه استخراج و وضعیت فروش داخلی و صادراتی است. صنعت سرمایه‌گذاری‌ها نیز با ۷۱ شرکت فعال و ارزش بازار ۸۱۹ همت، رتبه هفتم را در اختیار دارد. تعداد بالای شرکت‌های این گروه در مقایسه با ارزش بازار آن، نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از شرکت‌های سرمایه‌گذاری دارای مقیاس کوچک‌تر یا پرتفوی محدودتر نسبت به هلدینگ‌های بزرگ چندرشته‌ای هستند. مواد و محصولات دارویی با ۵۱ شرکت و ارزش بازار ۷۸۳ همت، رتبه هشتم را کسب کرده است. این صنعت به دلیل ماهیت دفاعی‌تر تقاضا، اهمیت تامین دارو و حساسیت موضوع قیمت‌گذاری، همواره از گروه‌های مورد توجه سرمایه‌گذاران بوده است. با این حال، تعیین نرخ فروش، هزینه مواد اولیه و نقدینگی شرکت‌ها از متغیرهای مهم در تحلیل وضعیت دارویی‌ها به شمار می‌رود. صنعت سیمان، آهک و گچ با ۴۳ شرکت فعال و ارزش بازار ۵۰۵ همت در جایگاه نهم قرار گرفته و خودرو و ساخت قطعات نیز با ۴۲ شرکت و ارزش بازار ۴۱۵ همت، رتبه دهم را به خود اختصاص داده است. این رتبه‌بندی در مجموع نشان می‌دهد اگرچه تعداد صنایع و شرکت‌های حاضر در بازار سرمایه متنوع است، اما وزن اصلی بازار همچنان در اختیار صنایع بزرگ کالایی، پتروشیمی، پالایشی و مالی قرار دارد؛ صنایعی که تحولات آنها می‌تواند جهت‌گیری سرمایه‌گذاران و نوسان شاخص‌های بازار را تعیین کند.

اخبار

امکان تاسیس صندوق‌های سرمایه‌گذاری در ابزار تامین مالی خصوصی

زینب فلاح تفتی، رییس مرکز مشاوران حقوقی و تدوین مقررات بازار سرمایه با اعلام خبر تصویب صندوق سرمایه‌گذاری در ابزار تامین مالی خصوصی اعلام کرد: هیات‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار با لحاظ ظرفیت تبصره ۴ ماده ۱۴ «قانون تامین مالی تولید و زیرساخت‌ها» ناظر بر عرضه خصوصی اوراق بدهی و همچنین تصویب مقررات مرتبط با انتشار اوراق مرابحه کوچک و کوتاه‌مدت و توسعه تامین مالی از طریق سکوهای تامین مالی جمعی، بررسی و تدوین مقررات حاکم بر تاسیس و فعالیت نوع خاصی از صندوق سرمایه‌گذاری با عنوان صندوق سرمایه‌گذاری در ابزار تامین مالی خصوصی را در دستور کار قرار داد و پس از بررسی کارشناسی و دریافت نظرات مردم در فراخوان عمومی، مقررات لازم را به تصویب رساند. رییس مرکز مشاوران حقوقی و تدوین مقررات بازار سرمایه، با بیان اینکه این صندوق از نوع درآمد ثابت و ساختار آن صدور و ابطالی است و سرمایه‌گذاری در این صندوق مستلزم پذیرش و امضای بیانیه ریسک توسط سرمایه‌گذار بوده و حداقل میزان سرمایه‌گذاری برای فراهم شدن امکان سرمایه‌گذاری هر سرمایه‌گذار در این صندوق، ۵۰۰ میلیون تومان است، افزود: امکان ابطال واحدهای صندوق صرفا در مقاطع زمانی مشخص مجاز است؛ این مقاطع و سقف تعداد واحدهای قابل ابطال در هر مقطع، در امیدنامه صندوق تعیین خواهد شد. از این رو، سرمایه‌گذاران باید قبل از سرمایه‌گذاری در هر صندوق، امیدنامه صندوق را به دقت مطالعه کنند. فلاح تفتی در پاسخ به این پرسش که آیا این صندوق سود ماهانه نیز پرداخت می‌کند یا خیر؟ گفت: طبق بند ۱۲ دستورالعمل مصوب، صندوق از امکان پرداخت دوره‌ای به سرمایه‌گذاران در مقاطع ۳ ماهه، ۶ ماهه یا سالانه، با شرایطی که در امیدنامه تعیین می‌شود، برخوردار است. او اضافه کرد: در حال حاضر دستورالعمل مذکور ابلاغ شده و تمام فعالان بازار سرمایه می‌توانند با مراجعه به پایگاه قوانین و مقررات بازار سرمایه از مفاد آن آگاهی یابند.

اعلام نحوه کشف قیمت برق در تابلوهای بورس انرژی

محمد نظیفی در نشست هم‌اندیشی «دو دهه اصلاحات اقتصادی صنعت برق» با اشاره به اهمیت بررسی مبانی نظری تنظیم‌گری در اقتصاد انرژی گفت: بخش قابل توجهی از چالش‌های اجرایی صنعت برق ناشی از آن است که فرصت کافی برای پرداختن به مبانی نظری و ساختاری این حوزه فراهم نشده است. از این رو، لازم است پیش از هر گونه سیاستگذاری، ماهیت اقتصاد انرژی و ویژگی‌های آن به‌درستی تبیین شود. مدیرعامل بورس انرژی ایران با بیان اینکه تفاوت بازار انرژی با سایر بازارها در مفهوم «انحصار طبیعی» ریشه دارد، افزود: ابتدا باید مشخص شود در کدام بخش‌های زنجیره ارزش صنعت برق همچنان با انحصار طبیعی مواجه هستیم و این انحصار چه ویژگی‌هایی دارد، زیرا بدون شناخت دقیق این موضوع، امکان طراحی سیاست‌های هماهنگ و اثربخش وجود نخواهد داشت. نبود این نگاه مشترک می‌تواند به تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های متعارض منجر شود؛ مساله‌ای که در طول سال‌های گذشته در بخش‌هایی از صنعت انرژی مشاهده شده است. محمد نظیفی با مقایسه ساختار اقتصادی صنایع آب، برق و مخابرات توضیح داد: هر یک از این حوزه‌ها از منظر مالکیت، رقابت‌پذیری و نقش دولت ویژگی‌های متفاوتی دارند و به همین دلیل نمی‌توان نسخه واحدی برای تنظیم‌گری آنها ارائه کرد. او تاکید کرد: صنعت برق در حال گذار از ساختاری مبتنی بر انحصار به سمت افزایش رقابت در بخش‌های تولید و عرضه است و این تحول باید بر پایه شناخت صحیح از ویژگی‌های این صنعت مدیریت شود. نظیفی با اشاره به بند «ب» ماده ۴۳ قانون هفتم توسعه گفت: صنعت برق امروز در مسیر گذار تدریجی به سمت اقتصاد رقابتی قرار گرفته و ایجاد بازارهای مختلف در بورس انرژی ایران، از جمله تابلو برق عادی، برق سبز و تابلو آزاد و سایر تابلوهای معاملاتی، در همین چارچوب قابل تحلیل است. از این رو، ارزیابی ع